

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵

صص ۱۱۶-۱۴۲

## انگیزه و الگوهای رمزگردانی در میان گویشوران سیستانی براساس دیدگاه گایلز

منصوره دلارامی فر\*

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی انگیزه و الگوهای رمزگردانی در میان آن دسته از گویشوران سیستانی استان سیستان و بلوچستان است که به دو گویش محلی و فارسی معیار صحبت می‌کنند. دلایل رمزگردانی گویشوران سیستانی برحسب عوامل اجتماعی و براساس نظریه تطابق گایلز (۱۹۷۹) بررسی شده است. گایلز (۱۹۷۹) چهار مشخصه را به عنوان انگیزه رمزگردانی معرفی کرده که این مشخصه‌ها شامل حالت، احساس، اعتقاد (باورها) و وفاداری به تعامل قومی است. این مشخصه‌ها بعدها توسط گایلز و دیگران (۱۹۸۲) توسعه یافته و مشخصه‌های دیگری به آن اضافه شد. در این مطالعه دو عامل اجتماعی طبقه اجتماعی و جنسیت مورد آزمایش قرار گرفته و هدف یافتن انگیزه‌ها و دلایل رمزگردانی در بین گویشوران سیستانی دارای جنسیت متفاوت و از طبقه اجتماعی مختلف بوده است. بررسی‌ها بر روی نوع گفتار دانشجویان دانشگاه زابل با طبقه تحصیلاتی یکسان (کارشناسی) صورت گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از این است که در ارتباط با عامل اجتماعی جنسیت، زنان کمتر از مردان از رمزگردانی استفاده می‌کنند و در ارتباط با طبقه اجتماعی، در گفتار طبقه اجتماعی پایین‌تر رمزگردانی بیشتر مشاهده می‌شود که طبق الگوی تطابق اجتماعی گایلز دلیل آن تمایل به حفظ همبستگی میان این افراد است. یکی دیگر از نتایج این تحقیق، میزان کاربرد

---

\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) delarami.m@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۱۶

گونه زبانی فارسی معیار در بین دو گروه زنان و مردان و در دو طبقه اجتماعی بالا و پایین است که شواهد بیانگر این واقعیت است که مردان در مقایسه با زنان تمایل کمتر به استفاده از گونه فارسی معیار داشته و طبقه اجتماعی پایین نسبت به طبقه اجتماعی بالا بیشتر تمایل به استفاده از گویش سیستانی دارند که این خود نشانگر الگویها و انگیزه‌های متفاوت رمزگردانی در عواملی اجتماعی مختلف می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: الگوی تطابق گفتاری گایلز (۱۹۸۲)، انگیزه و الگوی رمزگردانی، گویش سیستانی، نظریه روان‌شناسی اجتماعی.

#### ۱. مقدمه

گویش سیستانی یکی از گویش‌های شمال غربی زبان‌های ایرانی است که در منطقه سیستان در بخش شمالی استان سیستان و بلوچستان صحبت می‌شود. این گویش در استان‌های فراه و نیمروز افغانستان و شهرستان سرخس ترکمنستان و همچنین شهرهای زاهدان و برخی مناطق استان مازندران و مشهد و سرخس از استان مازندران نیز گویشور دارد (آهنگر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). ۹۰ درصد از جمعیت ۳۵۰ هزار نفری منطقه سیستان در استان سیستان و بلوچستان به گویش سیستانی ایرانی سخن می‌گویند (دوستی، ۱۳۸۰). این گویش دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد آوایی، واژگانی، ساختوازی و نحوی است که با آنچه در فارسی معیار مشاهده می‌شود تا حدی تفاوت دارد. تاکنون بررسی‌هایی در این زمینه‌ها صورت گرفته است اما بعد اجتماعی و انگیزشی گویش و دلایل تغییرات و رمزگردانی‌ها در اثری به چشم نخورد. در این مقاله به بررسی انگیزه‌ها و الگوهای اجتماعی رمزگردانی میان گویشوران سیستانی پرداخته شده است.

رمزگردانی به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در یک محاوره زبانی (میوسکن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵) یا درون یک پاره‌گفتار دلالت دارد. طبق نظر میوسکن (۱۹۹۵) واژه رمز در اصطلاح رمزگردانی زبانی، ضرورتاً زبان‌های استاندارد و معیار نمی‌باشد. بلکه رمز

<sup>۱</sup> Ahangar

<sup>۲</sup> Muiyesken

کلیه زبان‌ها، گویش‌ها و سبک‌ها را شامل می‌شود و رمزگردانی به تغییر بین زبان‌ها، گویش‌ها، سبک‌ها و سیاق‌ها نیز بسط می‌یابد. به اعتقاد گامپرز<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) رمزگردانی به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در سطح جمله یا در سطحی فراتر از جمله (در یک پاره‌گفتار یا در طول یک محاوره زبانی) دلالت دارد. رمزگردانی مهم‌ترین عنصر پردازش اطلاعات است. برای این‌که اطلاعات از حافظه کوتاه مدت یک مرحله فراتر رود و به حافظه بلندمدت انتقال یابد، باید رمزگردانی صورت گیرد. «منظور از رمزگردانی تغییر شکل دادن یا به حالت انتزاعی درآوردن اطلاعات یعنی بازنمایی آن به صورتی غیر از صورت اولیه است».

در استان سیستان و بلوچستان دو گویش<sup>۲</sup> سیستانی در شمال و زبان بلوچی بیش‌تر در جنوب استان مورد استفاده گویشوران قرار می‌گیرد. این پژوهش در شمال استان و در بین گویشوران سیستانی انجام شده است. زبان اول بعضی از افراد این منطقه گویش سیستانی است و زبان فارسی معیار گونه‌ای است که در مدرسه به عنوان زبان دوم فراگرفته می‌شود. برخی دیگر از ابتدا زبان فارسی معیار و گویش سیستانی را در کنار یکدیگر می‌آموزند به طوری که والدین با فرزندان خود به گونه زبانی فارسی و با یکدیگر یا گاهی با فرزند به گویش سیستانی صحبت می‌کنند. این شرایط منجر به استفاده از رمزهای مختلف در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت می‌شود.

سوالات مطرح در این پژوهش این است که «آیا افراد با عوامل اجتماعی مختلف در هنگام سخن گفتن برحسب موقعیتی که در آن قرار دارند از رمزهای متفاوت استفاده می‌نمایند؟ آیا الگوی نظری گایلز می‌تواند دلایل و انگیزه‌هایی که باعث ایجاد رمزگردانی در افراد مختلف می‌شود را مشخص کند؟ آیا الگوی رمزگردانی به لحاظ جنسیتی در بین زنان و مردان سیستانی متفاوت است؟ و اینکه آیا طبقه اجتماعی نیز تاثیر در الگوهای رمز گردانی دارد؟ فرض بر این است که عوامل اجتماعی مختلف از قبیل جنسیت و طبقه اجتماعی افراد، الگوها و انگیزه‌های متفاوتی برای رمزگردانی

<sup>۱</sup> Gumperz

<sup>۲</sup> Dialect

ایجاد نمایند. این پژوهش به دنبال این است که از طریق الگوی تطابق گایلز<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) پاسخ درستی به دلایل رمزگردانی این افراد ارائه دهد. جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان بومی دانشگاه زابل<sup>۲</sup> است که در یک طبقه تحصیلی یکسان (کارشناسی) قرار دارند. از آنجایی که رمزگردانی کاربردهای بسیاری میان گویشوران سیستانی، از زبان فارسی معیار به گویش سیستانی دارد، این پژوهش بر آن است تا دلایل و انگیزه‌های رمزگردانی و الگوهای آن را، که در میان افراد وجود دارد، تعیین نماید و تاثیر عوامل اجتماعی جنسیت و طبقه اجتماعی در الگوی رمزگردانی گویشوران سیستانی را مشخص کند. به منظور به دست آوردن آمار از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. هدف از این تحقیق توضیح دلایل رمزگردانی میان گویشوران براساس متغیرهای اجتماعی جنسیت و طبقه اجتماعی همچنین رابطه آن با همبستگی در زبان میان این گویشوران است.

## ۲. پیشینه پژوهش

هر فردی که به بیش از یک گونه زبانی صحبت می‌کند، طبق موقعیت اجتماعی که در آن قرار دارد، از بین گونه‌های زبانی خود یکی را انتخاب می‌نماید؛ به طوری که برای افرادی که مخاطب قرار می‌دهد قابل درک باشد. بنابراین گوینده زبانی را انتخاب می‌کند که دیگر افراد بتوانند آن را بفهمند و درک نمایند و آسان‌تر اهداف خود را بیان کنند. گونه‌های زبانی مختلف در شرایط متفاوت به کار می‌روند و توسط قواعد اجتماعی کنترل می‌شوند. برای مثال، یک گونه زبانی در منزل تکلم می‌شود و گونه‌ای دیگر در محیط خارج از منزل (دنيسون<sup>۳</sup>، ۱۹۷۱). هادسن<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) هدف از رمزگردانی را تطابق گونه‌های مختلف زبانی، لهجه و گویش بر طبق شرایط اجتماعی

<sup>۱</sup> Giles

<sup>۲</sup> به دلیل اینکه گویشوران شهر زابل به گویش سیستانی تکلم می‌نمایند و دانشگاه زابل واقع در این شهر دارای دانشجویان بومی بسیار است، در این تحقیق از دانشجویان بومی دانشگاه زابل مصاحبه صورت گرفته است.

<sup>۳</sup> Denison

<sup>۴</sup> Hudson

که در آن قرار دارند می‌داند. وی بررسی‌هایی بر زبان روستایی در شمال ایتالیا که در محیط خانه آلمانی صحبت می‌کردند، انجام داده که این تحقیق رمزگردانی را در آن زبان به نمایش می‌گذارد. در این پژوهش نشان داده شد که افرادی با عوامل اجتماعی مختلف از قبیل جنسیت، موقعیت اجتماعی، تحصیلات و سن، هنگامی که در یک گروه قرار می‌گیرند از رمزگردانی برای تطابق گفتاری استفاده می‌نمایند و انگیزه آن‌ها را تمایل به ایجاد همبستگی می‌داند.

گامپرز (۱۹۸۲) در ارتباط با رمزگردانی در مکالمه پژوهشی انجام داده و آن را تحت عنوان «مجاورت<sup>۱</sup> در تبادل گفتاری و یکسان‌سازی گفتار بین افراد متکلم» به دو گونه زبانی مختلف تعریف کرده است. رمزگردانی در مکالمات به این صورت است که متکلمان صورت سلیس و بدون مکث و درنگ را جهت ایجاد تغییر در رمزگان استفاده می‌نمایند و گفتار خود را تغییر می‌دهند. انتخاب بین گونه‌های زبانی مختلف بصورت خودکار روی می‌دهد. گامپرز رمزگردانی را نوعی دانش نقشی در استفاده از زبان می‌داند. بدین معنی که فرد بر اساس دانشی که از بافت و هر یک از طرفین شرکت کننده دارد، تصمیم می‌گیرد کدام رمزگان را استفاده نماید.

میشل<sup>۲</sup> و اریک<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) نشان داده‌اند که گویشوران دوزبانه، کلمات را از L1 به L2 انتقال می‌دهند به گونه‌ای که ممکن است حتی تسلط کامل بر زبان L2 نیز نداشته باشند اما تلاش می‌کنند که به اهداف خود نزدیک‌تر شوند. رمزگردانی باعث هماهنگی میان گوینده و شنونده می‌شود و متاثر از موقعیت اجتماعی و عوامل اجتماعی مختلف است. رمزگردانی به طور گسترده در دنیا مورد بررسی بسیار قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان داده است که رمزگردانی نشان دهنده پیش‌زمینه زبانی ضعیف نیست بلکه استفاده زایا از زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف می‌باشد. مردم دلایل بسیاری برای رمزگردانی دارند و اثبات شده که رمزگردانی تصادفی در گفتار افراد شکل نمی‌گیرد بلکه در اکثر

---

<sup>1</sup> Juxtaposition

<sup>2</sup> Micheal

<sup>3</sup> Eric

مواقع هدفمند و با انگیزه می‌باشد (آنگوک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). ترادگیل<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) اثبات کرده است که افراد نیازمند ارتباط موثر می‌باشند حتی در هنگامی که زبان مشترک با یکدیگر ندارند؛ بنابراین به انجام رمزگردانی می‌پردازند. از طرف دیگر مردم با پیشینه قومی و نژادی متفاوت مجبور به تعامل با یکدیگرند و در چنین شرایطی رمزگردانی مشخصه اصلی ایجاد تعامل است (آنگوک، ۱۹۹۰).

سیلوا<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) معتقد است که رمزگردانی در یک جامعه دارای ویژگی‌های مختلف است که این ویژگی‌ها بر اساس موقعیت‌های اجتماعی متفاوت در زبان نمود می‌یابند. گویشور گفتار خود را با موقعیت اجتماعی وفق می‌دهد؛ چراکه تاکید بر ایجاد ارتباط است. رومین<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) در ارتباط با رمزگردانی و نقش آن در توانش ارتباطی<sup>۵</sup> میان افراد دوزبانه مطالعاتی انجام داده است. این مطالعات در ارتباط با جامعه دوزبانه پنجابی در بریتانیا صورت گرفت. دو رمزگان We و They در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. نکته اصلی بررسی‌های رومین در ارتباط با محدودیت‌های انتخاب رمزگان بود. او نشان داد که رمزگردان بر اساس نقش‌های موقعیتی انتخاب می‌گردد و انگیزه‌هایی از قبیل همبستگی، بالابردن شان اجتماعی، هماهنگی با محیط زبانی و حفظ اصالت در پس این فرایند زبانی وجود دارد.

میوسکن (۱۹۹۵) در بررسی‌های خود اثبات کرده است که رمزگردانی به معنی استفاده مناسب افراد دو یا چندزبانه، از زبان‌هایی که بدان صحبت می‌کنند، در بافت مورد نظر است. وی به این مساله اشاره دارد که در دوره‌های قبل تحقیقات در ارتباط با رمزگردانی چندان موفق صورت نگرفته زیرا فرض بر این بوده است که رمزگردانی زبانی نوعی اختلاط کاملاً نامنظم از دو یا چند زبان است. در زبان فارس نیز بررسی‌هایی در زمینه رمزگردانی صورت گرفته است که اکثر تحقیقات به توصیف

---

<sup>1</sup> Angogo

<sup>2</sup> Trudgil

<sup>3</sup> Silva

<sup>4</sup> Romain

<sup>5</sup> Communicational Competence

رمزگردانی در گویش‌های مختلف و یا زبان انگلیسی و فارسی بوده است. از این قبیل می‌توان به ساخت افعال سبک رمزگردانی‌شده ترکی آذری و فارسی براساس مدل زبان ماتریکس (حیدری و روحی، ۱۳۹۲) اشاره کرد. در این مقاله نشان داده شد که سازه‌های غیرفعلی زبان فارسی به عنوان عنصر درونه نه تنها در سطح مفهومی-واژگانی، بلکه در سطح گزاره-موضوع نیز فعال می‌شود. این نشان‌دهنده تاثیرپذیری نحو از واژگان است که تاییدی برای عدم استقلال نحو و واژگان به شمار می‌آید. حیدری (۱۳۹۲) در رمزگردانی دوزبانه‌های آذری-فارسی در کلاس درس از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان، ابتدا رمزگردانی درون جمله‌ای را در چارچوب مدل زبان ماتریس و نظریه صفر مورد تحلیل قرار داد و سپس نقش‌های مختلف رمزگردانی بین جمله‌ای را در کلاس‌های درس مطالعه کرد. در این پژوهش نشان داده شد که در گزینش یکی از دو نوع آرایش نحوی متفاوت زبان‌های شرکت‌کننده در ساخت‌های رمزگردانی شده، علاوه بر عوامل زبانی، عوامل غیرزبانی نقش اساسی دارند. در ادامه، رمزگردانی بین جمله‌ای معلمان دوزبانه ترکی آذری-فارسی در کلاس‌های درس، بررسی شد و ۹ دلیل یا نقش آموزشی و تربیتی برای رمزگردانی معلمان مشخص گردید. نتایج تحقیق نشان داد که نقش‌های آموزشی و تربیتی رمزگردانی معلمان ترکی آذری-فارسی زبان در راستای تحقق اهداف والای نظام آموزش و پرورش است و معلمان از رمزگردانی زبانی برای برآورده ساختن نیازهای دانش آموزان خود استفاده می‌کنند.

به منظور یافتن انگیزه‌ها و دلایل رمزگردانی افراد در موقعیت مختلف، نظریه گایلز می‌تواند چراغ راهی برای شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی افراد باشد. تاکنون تحقیقی در ارتباط با این رویکرد در زبان فارسی صورت نگرفته است و بسیاری از انگیزه‌ها و الگوهای رمزگردانی گایلز همچنان ناشناخته مانده است. در صورتی که باید حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آن‌ها را مورد توجه بیشتری قرار داد. از آنجایی که زبان فارسی معیار زبان رسمی ایران است و برخی از فارسی‌زبانان به دلیل

تکلم به گونه زبانی محلی‌شان و یا زبان‌های رایج در منطقه که به صورت قومی و قبیله‌ای به کار می‌رود ناچاراً به دو گونه زبانی و یا بیش‌تر رمزگردانی می‌کنند، نگارنده لازم دانست تا دلایل اجتماعی و روان‌شناختی آن را براساس دیدگاه گایلز (۱۹۸۲) که یک دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زبان است مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. باید روشن کرد که چه انگیزه‌ها و دلایلی بر سخنگو تاثیر می‌گذارد که در شرایط مختلف رمزگردانی می‌کند. با یافتن دلایل می‌توان به برخی از ویژگی‌های فرهنگی و قومی افراد یک منطقه دست یافت.

### ۳. چارچوب نظری

نظریه تطابق گفتاری (SAT<sup>۱</sup>) اولین بار توسط گایلز (۱۹۷۹) پیشنهاد شد. SAT یک نظریه روان‌شناسی اجتماعی در ارتباط با کاربرد زبان در جامعه است. همان‌طور که روان‌شناسان اجتماعی از آن استفاده می‌کنند، در مطالعات زبان‌شناسان نیز بسیار سودمند است زیرا به بررسی رفتارهای زبانی در مدت تماس میان گویندگان گروه‌های زبانی متفاوت می‌پردازد (گایلز و کلیر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹). نظریه تطابق گفتار گایلز (۱۹۷۹) به توصیف تطابق گفتار در فرآیند تعامل می‌پردازد. مفهوم اصلی این تئوری این است که در یک تعامل اجتماعی، افراد شرکت‌کننده در تعامل انگیزه دارند که سبک گفتارشان را با یکدیگر تطبیق دهند، این تطابق برای کسب تایید اجتماعی و سودمندی در ارتباط میان تعامل‌کنندگان و حفظ نگرش اجتماعی مثبت صورت می‌گیرد (گایلز و کلیر، ۱۹۷۹ و ۱۹۷۷). گایلز و دیگران در سال ۱۹۸۲ فرآیند روان‌شناسی اجتماعی را در مطالعات زبانی در نظر گرفتند. آن‌ها تئوری تطابق گفتار گایلز (۱۹۷۹) را توسعه دادند و آن را به چند عامل روان‌شناسی اجتماعی ارتباط دادند، به طوری که تمرکز بیش‌تر بر روی جنبه‌های تعاملی بوده است. عوامل روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده بیش‌تر به توصیف این مساله می‌پردازد که چرا گویشوران به جای کاربرد هنجارها و قواعد زبان معیار از

<sup>۱</sup> Speech Accommodation Theory

<sup>۲</sup> Clair



استراتژی‌های گفتاری استفاده می‌کنند. این عوامل شامل حالت، انگیزه، احساس، اعتقاد (باورها) و وفاداری به تعامل قومی است. آن‌ها این استراتژی‌ها را در دو دسته همگرایی و واگرایی گفتاری قرار دادند.

ارزش تئوری تطابق گفتار در این است که به توصیف دلایل رمزگردانی می‌پردازد و می‌تواند موقعیت رمزگردانی را در حوزه روان‌شناسی اجتماعی پیش‌بینی کند. این تطابق را می‌توان هم در سطح بیناشخصی (بایرن، ۱۹۶۹) و هم در سطح بیناگروهی، که در فرآیندهای سازماندهی اجتماعی دارای اهمیت است (گایلز و همکاران، ۱۹۸۲ و تجفل، ۱۹۸۲) بررسی کرد. منظور گایلز از تطابق در گفتار ایجاد همسان‌سازی<sup>۱</sup> در نوع گفتار افراد می‌باشد. تطابق به دو روش در اجتماع نمود می‌یابد. اولین روش همگرایی<sup>۲</sup> است. همگرایی زمانی رخ می‌دهد که گوینده از زبانی استفاده می‌کند که شنونده با آن آشناست و بیش‌تر به آن تمایل دارد. در همگرایی گفتاری گویشوران تمایل دارند که به لحاظ کاربرد زبان بیش‌تر به هم شباهت داشته باشند. تئوری تطابق گفتاری، همگرایی را به عنوان یک تبادل اجتماعی می‌داند که در طول آن شرکت‌کنندگان در تعامل از رمزگردانی خود پاداشی بدست آورند که این پاداش عموماً اجتماعی است (گایلز و رابینسون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). دومین شکل تطابق واگرایی<sup>۴</sup> است. گوینده تلاش دارد از شنونده فاصله بگیرد و این فاصله را از طریق بالا بردن تفاوت‌ها در کاربرد زبان ایجاد می‌کند. این پدیده ممکن است به طور همزمان روی سطوح زبانی مختلف (فرازبانی، سبک مفاهیم، لهجه و...) رخ دهد و گوینده همیشه آگاه نیست که در حال تعدیل رمزها است. بلکه این فرایند زبانی عموماً به صورت ناخودآگاه در گفتار نمود می‌یابد (گایلز و رابینسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰). در نظریه تطابق گفتار گایلز (۱۹۸۲) سه عامل، جهت اشاره به علل و انگیزه رمزگردانی بیان شده است که بدین شرح می‌باشند: جذب افراد مشابه<sup>۶</sup>، تبادل

---

<sup>1</sup> Adjustment

<sup>2</sup> Convergence

<sup>3</sup> Robinson

<sup>4</sup> Divergence

<sup>5</sup> Robinson

<sup>6</sup> Similarity Attraction

اجتماعی<sup>۱</sup> و هویت اجتماعی<sup>۲</sup>. این سه عامل به ما کمک می‌کند که به نوع گرایش گفتار-همگرایی و واگرایی- در روابط بیناشخصی پی ببریم. عامل جذب افراد مشابه و عامل تبادل اجتماعی با همگرایی گفتار و تئوری هویت اجتماعی با واگرایی در ارتباط است. طبق عامل جذب افراد مشابه، یک شخص ممکن است از طریق کاهش تفاوت‌ها بین خود و دیگران سعی بر آن داشته باشد به گونه‌ای رفتار نماید که از محبوبیت برخوردار شود. گویندگان برای کسب ارزش اجتماعی و محبوبیت به صورت خودکار خودشان را با یکدیگر تطبیق می‌دهند. تطابق و سازگاری هم به لحاظ ویژگی‌های زبان بدن، نوع اشارت و هم نوع گفتار صورت می‌گیرد. عامل تبادل اجتماعی نیز مانند آنچه در عامل جذب افراد مشابه ذکر شد، افراد را به سمتی می‌کشاند که به ایجاد شباهت رفتاری در بین خود و دیگران تمایل داشته باشند. در نتیجه هر دو تئوری بیان شده از نوع همگرایی اجتماعی است (گایلز و رابینسون، ۱۹۹۰).

از میان عوامل ذکر شده، عامل هویت اجتماعی، از نوع واگرایی اجتماعی است. در واگرایی اجتماعی گویندگان گفتار خود را به گونه‌ای تعدیل می‌کنند که از سایر افراد شرکت‌کننده متفاوت به نظر برسند و عدم تایید سایر اعضای گروه را نشان دهند. واگرایی نیز بسیار در جامعه رخ می‌دهد و نشان‌گر احساس عدم تعلق و عدم اطمینان فرد به گروهی است که در آن عضو است (کانانا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). در این پژوهش با استفاده از سه تئوری فوق الذکر، عوامل انگیزشی در انتخاب رمزگان، هنگام تعامل بررسی می‌شود و علاوه بر تعیین الگوهای رمزگردانی در گروه‌های اجتماعی مختلف، همگرایی و واگرایی در گفتار را که خود مرتبط با انگیزه افراد است مشخص می‌گردد.

---

<sup>1</sup> Social Exchange

<sup>2</sup> Social Identity

<sup>3</sup> Kanana

#### ۴. روش‌شناسی

این پژوهش در دانشگاه زابل میان ۱۴۰ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی که بومی همین شهر بودند صورت گرفت. زبان اول این افراد گویش سیستانی بود. هفت گروه ۲۰ نفره براساس دو عامل اجتماعی جنسیت و طبقه اجتماعی در فرایند جمع‌آوری داده‌ها متمایز شد و گروه‌بندی دانشجویان صورت گرفت. جمع‌آوری داده‌ها به دو گونه ضبط صوت و مشاهده مستقیم صورت گرفت. افرادی با مشخصاتی که در ادامه ذکر می‌گردد به صورت گروهی گردهم آمدند. به منظور بررسی اهداف تحقیق، موضوعی در حوزه اجتماعی از قبیل بیکاری، امکانات رفاهی شهرزابل و اعتیاد، به هر گروه داده شد که راجع به آن بحث نمایند. گروه‌ها براساس جنسیت و طبقه اجتماعی مجزا شد. در این کار تمرکز بر عوامل اجتماعی نیست زیرا تاکنون بررسی‌های متفاوتی در این ارتباط صورت گرفته است. نکته اصلی پژوهش انگیزها و الگوهای رمزگردانی و ارتباط آن‌ها با نظریه روان‌شناسی اجتماعی تطابق است. پژوهشگر جهت رسیدن به نتایج دقیق‌تر به صورت نامحسوس در جلسه شرکت داشت تا حضور وی برای اعضای گروه مانعی اجتماعی ایجاد نکند و مکالمات انجام شده توسط اعضا ضبط شد. جلسات در آمفی تئاتر دانشگاه زابل برگزار شد تا پژوهشگر بتواند از طریق پشت صحنه سالن تئاتر، بر جلسه نظارت داشته باشد. آنچه تحت عنوان رمزگان زبانی در این پژوهش مطرح است گویش سیستانی و زبان فارسی است (گفتاری که به صورت محاوره در بین مردم کل ایران صحبت می‌شود). = مردم این منطقه عموماً گویش سیستانی را در محیط غیررسمی بکار می‌برند. در محیط رسمی افراد بسته به موقعیت و اهداف خود رمزگردانی می‌کنند. هدف دستیابی به الگوهای رمزگردانی است. از نرم‌افزار SPSS نیز برای محاسبات آماری استفاده شد.

## ۵. فرایندهای جمع‌آوری اطلاعات

### ۵-۱. ضبط صوت

عملیات ضبط صدا به صورت مخفیانه صورت گرفت چرا که افراد به شرایط جدید و حضور در موقعیت جدید واکنش نشان می‌دهند و به صورت محتاطانه عمل می‌کنند. این واکنش می‌تواند ناخودآگاه باشد بنابراین برای جلوگیری از بروز این مشکلات و به دلیل اینکه قصد پژوهشگر بررسی تئوری تطابق در گفتار عادی افراد نه گفتار محتاطانه است از آشکارسازی فرایند ضبط صوت در این تحقیقی ممانعت شد. در پایان تمام جلسات موضوع به طور کامل به اعضای گروه توضیح داده شد و اعلام شد که هویت هرکدام از افراد گروه‌ها کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و رضایت‌نامه‌ای از شرکت‌کنندگان دریافت شد.

### ۵-۲. مشاهده مستقیم

علاوه بر ضبط صدا، گروه‌ها به صورت نامحسوس مورد مشاهده مستقیم محقق قرار گرفتند. از آنجایی که علاوه بر گفتار، سایر ویژگی‌ها و حرکات بدن تحت تاثیر شرایطی محیط قرار می‌گیرند، از طریق مشاهده مستقیم آن‌ها می‌توان به نتایج بهتری دست یافت. برای مثال یک زن هنگامی که در گروه زنان قرار می‌گرفت، راحت‌تر و با اعتماد به نفس بیشتری به نسبت گروه مختلط مردان و زنان صحبت می‌کرد و زبان بدن وی نشان‌دهنده آرامش بیشتر او می‌باشد. یا اینکه یک مرد در گروه مختلط زنان و مردان تلاش دارد که اعتماد به نفس بالای خود را بروز دهد و بالعکس. نگارنده معتقد است که مشاهده مستقیم می‌تواند در تحلیل اطلاعات و بدست آوردن نتایج بسیار سودمند باشد.

**۳-۵. پرسشنامه**

فرآیند پرسشنامه و تکمیل آن یک هفته قبل از انجام پژوهش صورت گرفت. پرسشنامه به منظور دستیابی نسبی به طبقه اجتماعی افراد از سایت مرکز خدمات اجتماعی سینا<sup>۱</sup> تهیه شد. طبقه‌بندی نسبی در این پژوهش بدین معناست که افراد در دو طبقه پایین و بالا قرار داده شدند. در این بررسی از طبقه متوسط چشم‌پوشی شد. طبقه متوسط پایین در گروه طبقه اجتماعی پایین و طبقه متوسط بالا در گروه طبقه اجتماعی بالا قرار گرفت. از میان ۴۰۰ دانشجوی که به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند، ۱۴۰ نفر انتخاب و گروه‌بندی شدند. معیارهای موجود در پرسشنامه برای تعیین طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات اعضای خانواده، شغل سرپرست خانواده، محل زندگی، سطح درآمد سرپرست و غیره می‌باشد. براساس این معیارها گروه‌بندی اعضای گروه صورت گرفت و جلساتی برای آن‌ها برگزار شد. افراد طبق گروهی که به آن تعلق داشتند در جلسه شرکت کردند و موضوع بحث به آن‌ها داده شد. از اعضای گروه درخواست شد تا درباره آن موضوع بحث کنند. پرسشگر نیز یکی از دانشجویان دارای روابط اجتماعی بالا بود بود که در هدایت بحث تاثیر بسزایی داشت. وی به دو گونه زبانی کاملاً تسلط داشت و تلاش فراوان جهت هم سطح نشان دادن خود و اعضای گروه می‌نمود و اطمینان و اعتماد آن‌ها را کسب می‌کرد.

**۴-۵. نوع گروه‌بندی**

از طریق پرسشنامه گروه‌های اجتماعی مشخص شدند و به دلیل اهداف تحقیق هفت گروه متفاوت که هرکدام شامل ۲۰ نفر می‌شد تعیین گردیدند. در این تحقیق تلاش شد

<sup>۱</sup> www.sinacps.ir مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره سینا زیر نظر سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره و سازمان بهزیستی فعالیت دارد. این مرکز با همکاری موسسه فرهنگی هنری کاوش پژوهش جهت دسترسی دانشجویان رشته روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط به ابزارهای اندازه‌گیری اقدام به راه‌اندازی این سایت نموده است. مرکز سینا وابسته به موسسه کاوش است. این موسسه که در زمینه تحقیقات در حوزه علوم انسانی، فناوری اطلاعات و اینترنت فعالیت دارد در سال ۱۳۸۰ با نام موسسه مطالعات و تحقیقات کاوش نوین فعالیت خود را شروع کرد. از سال ۱۳۸۴ زیر نظر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت دارد و به شماره ثبت ۵۸ در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرانتفاعی به ثبت رسیده است.

که گروه‌ها از دوستان نزدیک یکدیگر باشند که تا حد امکان موانع اجتماعی کم شود. تقسیم‌بندی‌ها براساس جنسیت و طبقه اجتماعی و گروه‌های مختلط صورت گرفت. این گروه‌ها به شرح زیر می‌باشند:

**X1:** گروه زنان از طبقه اجتماعی بالا

**X2:** گروه زنان از طبقه اجتماعی پایین

**Y1:** گروه مردان از طبقه اجتماعی بالا

**Y2:** گروه مردان از طبقه اجتماعی پایین

**A<sub>1</sub>:** گروه مختلط زنان و مردان از طبقه اجتماعی بالا

**A<sub>2</sub>:** گروه مختلط زنان و مردان از طبقه اجتماعی پایین

**Z:** ترکیبی از زنان و مردان غیرهم سطح

در این پژوهش هفت گروه با مشخصات فوق‌گردهم آمدند و هفت جلسه دو ساعته برای بحث و گفت‌وگو برگزار شد. سپس صداهای ضبط شده و نتایج به دست آمده بر روی کاغذ ثبت گردید.

## ۶. بحث و تحلیل داده‌ها

بررسی‌ها به صورت کمی در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش صورت گرفت. ابتدا داده‌ها ضبط و سپس بر روی کاغذ ثبت شد. آنچه از داده‌ها استخراج شد تفاوت رمزگان میان افراد گروه‌های مختلف بود. مشاهدات، اطلاعات سودمندی در ارتباط با رمزگردانی، انگیزه رمزگردانی والگوهای مربوط به آن به دست داد. این مطالعات در دانشگاه انجام گرفت زیرا یافتن افرادی که حداقل در یکی از عوامل اجتماعی با یکدیگر شباهت دارند را تسهیل می‌کرد. این افراد به لحاظ سطح تحصیلات مشابهند و از لحاظ طبقه اجتماعی و جنسیت در انجام پژوهش جدا شدند. بنابراین این مقاله دو متغیر زیر را جهت بررسی فرضیات بیان شده، مورد بررسی قرار داد.

الف: متغیر جنسیت؛ ب: متغیر طبقه اجتماعی

این دو متغیر در هفت گروه جنسیتی و طبقه اجتماعی متفاوت مورد بررسی قرار گرفت. بدین‌گونه که گروه‌ها در جلساتی گردهم جمع می‌شدند و در ارتباط با موضوع ارائه شده بحث و گفت‌وگو می‌کردند. هدف از تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها این است که تئوری تطابق اجتماعی در سطح افراد متعلق به هر گروه بررسی و الگوهای تطابق زبانی گروه‌ها و تفاوت‌های آن‌ها براساس این تئوری مشخص شود. در فرایند بررسی زبان براساس تئوری تطابق اجتماعی به وجود بارز رمزگردانی افراد حاضر در هر گروه پی می‌بریم و از طریق بررسی آماری رمزگردانی‌ها و سازماندهی آن‌ها در دو متغیر جنسیت و طبقه اجتماعی به الگوها و انگیزه رمزگردانی دست می‌یابیم. آمار کلی به‌دست آمده در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱) جدول رمزگردانی برحسب تعداد افراد

| طبقه اجتماعی<br>مختلط (نفر) | طبقه اجتماعی پایین<br>(نفر) | طبقه اجتماعی<br>بالا (نفر) | طبقه‌بندی جنسیتی |
|-----------------------------|-----------------------------|----------------------------|------------------|
| -----                       | ۱۴                          | ۶                          | زنان (X1,X2)     |
| -----                       | ۱۶                          | ۱۰                         | مردان (Y1,Y2)    |
| -----                       | ۱۲                          | ۳                          | مختلط (A1,A2)    |
| ۷                           | -----                       | -----                      | مختلط (Z)        |

در جدول (۱) تعداد افراد هر گروه که تمایل به انجام رمزگردانی داشتند به‌طور مجزا نشان داده شده است. این افراد هم به زبان فارسی معیار و هم گویش سیستانی صحبت می‌کردند. به عنوان نمونه در بین زنان از طبقه اجتماعی بالا تنها ۶ نفر در جلسه رمزگردانی کرده‌اند و برحسب موقعیت به زبان فارسی معیار یا گویش سیستانی صحبت می‌کردند. سایرین بیش‌تر تمایل به حفظ رمز اصلی خود که فارسی معیار بود را داشتند. درصد رمزگردانی و آزمون معناداری این افراد نیز ارزیابی شد که در جدول‌های بخش‌های بعدی نشان داده می‌شود.

## ۶-۱. رمزگردانی در گروه‌های زنان (X1 و X2)

دو گروه برای زنان در نظر گرفته شد. این گروه‌ها براساس طبقه اجتماعی از هم جدا شدند. گروه اول (X1) گروه زنان طبقه اجتماعی بالا و گروه دوم (X2) زنان طبقه اجتماعی پایین بودند. نتایج، پس از برگزاری جلسه بحث و گفت‌وگو، نشان داد که زنان طبقه اجتماعی بالاتر کم‌تر از رمزگردانی استفاده می‌کنند. زبان غالب در این گروه فارسی معیار است. آن‌ها تمایلی برای صحبت کردن به گویش نشان نمی‌دهند. گروه دوم که زنان طبقه پایین‌تر بودند از رمزگردانی بیش‌تری نسبت به گروه اول استفاده می‌کردند به طوری که زبان غالب در این گروه گویش سیستانی بود. یک فرد از گروه X2 در یک جلسه چندین بار رمزگان خود را تغییر می‌داد در حالی که در گروه X1 بعضی افراد از ابتدا هیچ‌گونه رمزگردانی مشهودی انجام ندادند. افرادی نیز تنها زمانی که فرد مقابل از رمزگان دیگر استفاده می‌کرد، رمزگردانی در گفتارشان رخ می‌داد. عده‌ای نیز از ابتدا تمایل به رمزگان غیرمعیار داشتند. گروه دوم، X2، انعطاف بیش‌تری در رمزگردانی نشان می‌دادند و سرعت رمزگردانی آن‌ها بالا بود. جدول و نمودار به‌دست آمده از نحوه رمزگردانی زنان در جدول (۲) است:

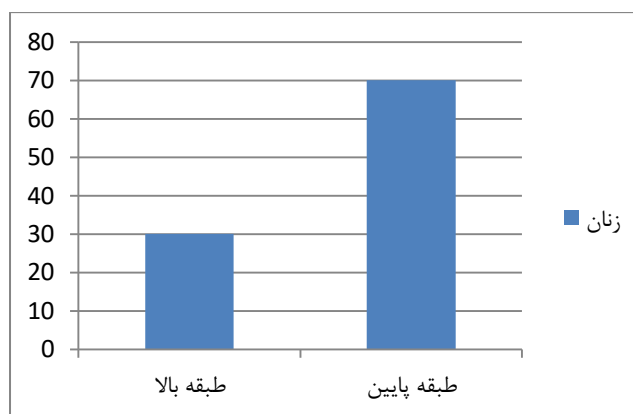
جدول (۲) درصد رمزگردانی زنان در دو طبقه اجتماعی پایین و بالا

| درصد انباشتگی | درصد | تعداد |                 |
|---------------|------|-------|-----------------|
| ۳۰            | ۳۰   | ۶     | طبقه بالای زنان |
| ۱۰۰           | ۷۰   | ۱۴    | طبقه پایین زنان |
|               | ۱۰۰  | ۲۰    | مجموع           |

همانطور که در جدول (۲) مشاهده شد زنان طبقه بالا ۳۰ درصد رمزگردانی در محیط و زنان طبقه پایین ۷۰ درصد رمزگردانی در گفتار را انجام می‌دادند. نمودار مربوط به میزان رمزگردانی زنان در محیط پیشنهادی به شرح زیر است:



نمودار (۱) میزان رمزگردانی در میان زنان طبقه بالا و پایین



در جدول (۲) و نمودار (۱) دو عامل اجتماعی طبقه اجتماعی در گروه زنان نشان داده شده است. برای بررسی رابطه بین متغیر طبقه اجتماعی و میزان رمزگردانی زنان از آزمون خی‌دو استفاده شد (آزمون فیشر نیز برای ارائه اطلاعات بیشتر در جدول نمایش داده می‌شود). این آزمون به ما نشان می‌دهد که آیا بین طبقه اجتماعی و رمزگردانی رابطه معناداری وجود دارد یا خیر.

جدول (۳) آزمون خی‌دو در بین دو گروه طبقه اجتماعی بالا و پایین زنان

| آزمون خی‌دو |       |            |              |                |                |
|-------------|-------|------------|--------------|----------------|----------------|
|             | ارزش  | درجه آزادی | سطح معناداری | سطح معناداری ۱ | سطح معناداری ۲ |
| آزمون خی‌دو | ۶/۴۰۰ | ۱          | ۰/۰۱۱        |                |                |
| آزمون فیشر  |       |            |              | ۰/۰۲۶          | ۰/۰۱۳          |

با توجه به جدول (۳) سطح معناداری (sig) در شاخص‌های مورد مطالعه کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. نتیجه می‌گیریم که بین طبقه اجتماعی و رمزگردانی زنان رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که زنان از طبقه اجتماعی پایین‌تر میزان رمزگردانی بیشتری در کلام‌شان دارند.

## ۲-۶. رمزگردانی در گروه‌های مردان (Y1 و Y2)

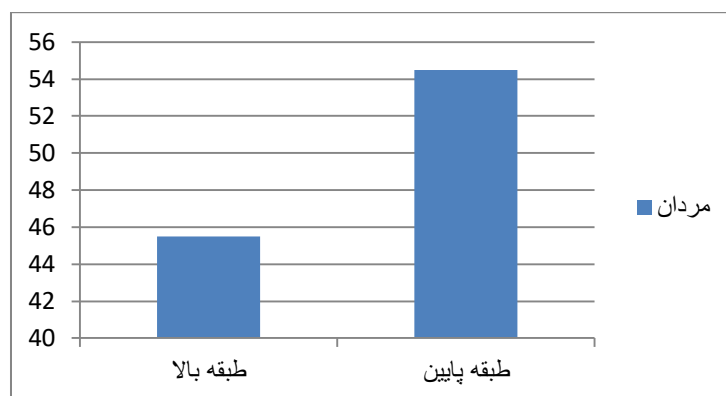
دو گروه از مردان طبق طبقه اجتماعی تشکیل شد. گروه اول (Y1) گروه مردان طبقه اجتماعی بالا و گروه دوم (Y2) گروه مردان طبقه اجتماعی پایین است. دو جلسه مجزا برای هر گروه تشکیل شد و افراد در آن جلسات به بحث و گفت‌وگو پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از این بود که مردان طبقه بالاتر نسبت به مردان طبقه پایین از رمزگردانی کم‌تری در گفتار خود استفاده می‌کنند. گروه Y1 تمایل به کاربرد زبان فارسی معیار داشت هرچند که نمی‌توان زبان غالبی برای آن تعیین کرد. اما گروه طبقه اجتماعی پایین به طور بارز بارها در این جلسه رمزگردانی می‌کرد. البته لازم به ذکر است که زبان غالب گروه گویش سیستانی بوده است. اما اعضای گروه به راحتی پرسش‌هایی که به زبان معیار پرسیده می‌شد را به زبان معیار پاسخ می‌دادند و اگر فردی با آن‌ها به گویش سیستانی صحبت می‌کرد سریعاً و بطور ناخودآگاه رمزگردانی نموده و به گویش سیستانی صحبت می‌کردند. جدول و نمودار مربوط به نحوه رمزگردانی مردان به شرح ذیل می‌باشد:

جدول (۴) درصد میزان رمزگردانی مردان در دو طبقه اجتماعی بالا و پایین

| درصد انباشتگی | درصد | تعداد |                  |
|---------------|------|-------|------------------|
| ۴۵/۵          | ۴۵/۵ | ۱۰    | طبقه بالای مردان |
| ۱۰۰           | ۵۴/۵ | ۱۲    | طبقه پایین مردان |
|               | ۱۰۰  | ۲۰    | مجموع            |

با توجه به آنچه که در جدول (۴) آمده است، مردان طبقه بالای اجتماعی ۴۵/۵ درصد رمزگردانی در محیط و مردان طبقه پایین اجتماعی ۵۴/۵ درصد رمزگردانی در گفتار خود داشتند. نمودار مربوط به میزان رمزگردانی مردان در محیط پیشنهادی به شرح زیر است:

نمودار (۲) میزان رمزگردانی در میان مردان طبقه بالا و پایین



در این بخش نیز برای بررسی رابطه بین متغیر طبقه اجتماعی و رمزگردانی مردان از آزمون خی دو استفاده شد تا رابطه معنادار میان دو گروه طبقه بالا و پایین مردان طبق جدول (۵) مشخص شود.

جدول (۵) آزمون خی دو برای دو گروه طبقه اجتماعی بالا و پایین مردان

| آزمون خی دو |       |            |              |                |                |
|-------------|-------|------------|--------------|----------------|----------------|
|             | ارزش  | درجه آزادی | سطح معناداری | سطح معناداری ۱ | سطح معناداری ۲ |
| آزمون خی دو | ۰/۴۰۴ | ۱۱         | ۰/۰۲۵        |                |                |
| آزمون فیشر  |       |            |              | ۰/۰۴۳          | ۰/۰۲۶          |

با توجه به جدول (۵) سطح معناداری (sig) که در شاخص‌های مورد مطالعه بدست آمد، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین طبقه اجتماعی و رمزگردانی مردان نیز رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۶. رمزگردانی در گفتار گروه‌های مختلف زنان و مردان طبقه اجتماعی بالا و پایین (A1 و A2)

در این پژوهش دو گروه مختلط جنسیتی تشکیل شد که براساس متغیر طبقه اجتماعی از یکدیگر مجزا می‌شدند: گروه مختلط طبقه اجتماعی بالا و گروه مختلط طبقه اجتماعی

پایین. شواهد این بخش نیز حاکی از این است که گروه مختلط طبقه اجتماعی بالا از رمزگردانی کم‌تری در مقایسه با گروه مختلط طبقه اجتماعی پایین دارد. گروه A1 تمایل بیش‌تری به کاربرد گونه معیار زبان فارسی داشت. اکثر رمزگردانی‌ها در بین افراد با جنسیت یکسان صورت می‌گرفت. به نظر می‌رسید که روند گفتار محتاطانه‌تر پیش می‌رود و افراد بیش‌تر از زمانی که در گروه تک جنسیتی قرار داشتند به به زبان فارسی صحبت می‌کردند. حال آن‌که در طبقه اجتماعی پایین نیز این امر مشهود است؛ هرچند که رمزگردانی در طبقه اجتماعی پایین در این گروه‌ها بیشتر از طبقه اجتماعی بالا صورت می‌گیرد. جدول و نمودار مربوط به این گروه‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

جدول (۶) تحلیل میزان رمزگردانی در میان گروه‌های مختلط جنسیتی

|                              |       | تعداد | درصد |
|------------------------------|-------|-------|------|
| طبقه بالای گروه‌های مختلط A1 | مردان | ۱     | ۳۳,۳ |
|                              | زنان  | ۲     | ۶۶,۷ |
|                              | مجموع | ۳     | ۱۰۰  |
| طبقه پایین گروه‌های مختلط A2 | مردان | ۵     | ۴۱,۶ |
|                              | زنان  | ۷     | ۵۸,۴ |
|                              | مجموع | ۱۲    | ۱۰۰  |

در جدول (۶) تعداد افرادی که در گفتار خود در گروه‌های مختلط رمزگردانی داشتند، به تفکیک جنسیت نشان داده و درصد هرکدام مشخص شد. بیش‌ترین درصد رمزگردانی در گروه طبقه بالای اجتماعی زنان در یک گروه مختلط صورت گرفته است.

جدول (۷) آزمون خی‌دو برای دو گروه مختلط زنان

| آزمون خی‌دو |       |            |              |                |
|-------------|-------|------------|--------------|----------------|
|             | ارزش  | درجه آزادی | سطح معناداری | سطح معناداری ۲ |
| آزمون خی‌دو | ۰/۵۳۲ | ۱          | ۰/۰۱۶        |                |
| آزمون فیشر  |       |            |              | ۰/۰۴۸          |

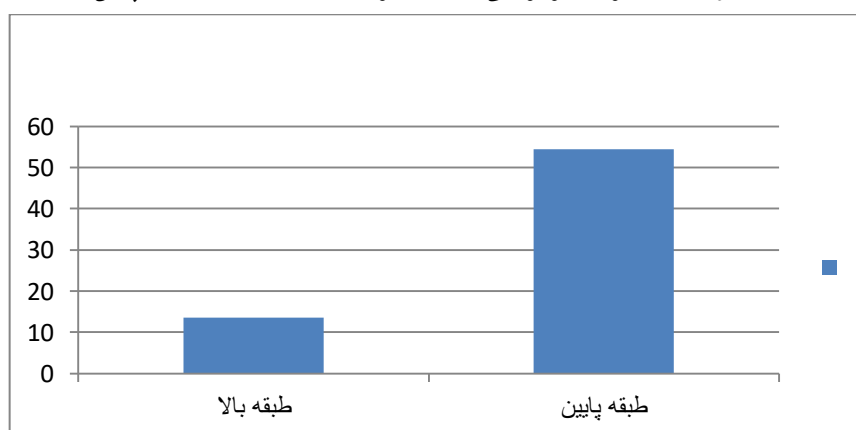
جدول (۸ و ۷) تفاوت معناداری در میزان رمزگردانی نشان می‌دهند. این دو جدول درصد معناداری رمزگردانی را در گروه‌های مختلط نشان داده‌اند.

جدول (۸) آزمون خی‌دو برای دو گروه مختلط مردان

| آزمون خی دو    |                |              |            |       |
|----------------|----------------|--------------|------------|-------|
| سطح معناداری ۲ | سطح معناداری ۱ | سطح معناداری | درجه آزادی | ارزش  |
|                |                | ۰/۰۱۰        | ۱          | ۰/۵۷۱ |
| آزمون خی دو    |                |              |            | ۱     |
| آزمون فیشر     | ۰/۰۲۰          | ۰/۰۵۰        |            |       |

باتوجه به جدول‌های (۸ و ۷) سطح معناداری (sig) آزمون‌های خی‌دو در شاخص‌های مورد مطالعه در هر دو گروه کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین جنسیت و رمزگردانی رابطه معناداری وجود دارد. به این صورت که زنان بیش‌تر از مردان در گروه‌های مختلط رمزگردانی می‌کنند. در جدول (۶) گروه مختلط دارای طبقه بالا و پایین اجتماعی زنان درصد رمزگردانی بیش‌تری نسبت به مردان در محیط داشتند. نمودار مربوط به میزان رمزگردانی دو گروه مختلط بالا و پایین در محیط پیشنهادی به شرح زیر است:

نمودار (۳) میزان رمزگردانی در میان گروه‌های مختلط طبقه بالا و پایین



## ۶-۴. رمزگردانی در گروه‌های مختلط جنسیتی و طبقه اجتماعی (Z)

در این بخش پژوهش یک گروه مختلط متشکل از دو جنسیت مردان و زنان و دو طبقه اجتماعی مختلف گردهم آمدند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در بین اعضای این گروه به طرز چشمگیری رمزگردانی کاهش یافت. دلیل در نظر گرفتن چنین گروهی بررسی رفتار زبانی افراد در جوامع ناهمگن و عملکرد تئوری تطابق در بین این گروه‌ها بود. این گروه (Z) هم به لحاظ جنسیتی و هم به لحاظ طبقه اجتماعی مختلط است. در این گروه به طور چشمگیری رمزگردانی کاهش یافت و افراد در هر جنسیت و طبقه اجتماعی تلاش بیشتری به کاربرد زبان فارسی محاوره‌ای داشتند مگر در مواردی که کاملاً از این که طرف مقابل نیز به گویش سیستانی صحبت می‌کند اطمینان داشته و جهت حفظ هماهنگی بین خود و آن فرد با گونه زبانی سیستانی با یکدیگر بحث و گفت‌وگو می‌کردند. درصد افرادی که در این گروه رمزگردانی کرده‌اند  $31/8$  بوده است.

بر اساس آنچه در قسمت‌های مختلف این بخش مشاهده شد الگوهای رمزگردانی بر طبق عوامل اجتماعی- طبقه اجتماعی و جنسیت- به صورت‌های متفاوت نمود می‌یابند. مشاهدات حاکی از این بود که در گروه X که اعضای آن زنان می‌باشند رمزگردانی متفاوت از گروه Y که متعلق است به مردان انجام می‌شود. در بین طبقات اجتماعی نیز این تفاوت وجود دارد. به طوری که زنان طبقه اجتماعی پایین نسبت به طبقه اجتماعی بالا رمزگردانی بیشتری انجام می‌دهند. در حالی که زنان طبقه اجتماعی بالا از زبان فارسی محاوره‌ای بیشتر استفاده می‌نمایند و تنها عده کمی تمایل به کاربرد گویش سیستانی با افرادی را دارند که سیستانی صحبت می‌کنند. زبان غالب در گروه X فارسی محاوره‌ای است در حالی که در گفتار طبقه اجتماعی پایین کاربرد گویش سیستانی بیشتر از طبقه اجتماعی بالا به چشم می‌خورد و رمزگردانی بیشتری نسبت به آن‌ها انجام می‌دهند. از آنجایی که زنان طبقه اجتماعی بالا بیشتر از طبقه اجتماعی پایین به زبان فارسی محاوره‌ای صحبت می‌کنند (دلایل آن خارج از بحث حاضر

می‌باشد) و همچنین به دلیل اعتماد به خود و باورهای خود کم‌تر گونه زبانی‌شان را تغییر می‌دهند و هویت خود را از طریق زبان به تصویر می‌کشند. اکثر این افراد در منزل به زبان فارسی محاوره‌ای صحبت کرده و در اجتماع نیز تمایل چندانی برای تغییر گونه زبانی خود ندارند. عده دیگر اعضای این گروه نیز اگر گونه زبانی‌شان سیستانی باشد جهت تطابق با سایرین تلاش می‌نمایند از گونه زبانی فارسی محاوره‌ای استفاده کنند. در طبقه اجتماعی پایین الگو رمزگردانی برعکس است. اکثر اعضای این گروه به گویش سیستانی صحبت می‌کنند و در گفت‌وگو با دیگر اعضای که گونه زبانی‌شان فارسی محاوره‌ای است تمایل به رمزگردانی و تطابق زبانی دارند.

در ارتباط با گروه مردان (Y) نتایج مشابه نتایج بدست آمده از گروه زنان می‌باشد. به طوری که در سطح اجتماعی پایین مردان تمایل بیشتری به رمزگردانی نسبت به گروه اجتماعی بالا دارند و در هر دو مورد تا حدی زبان غالب سیستانی است. بعد دیگر این تحقیق مقایسه بین گروه‌های زنان و مردان است. در حالی که زنان طبقه اجتماعی بالا تمایل بیشتری به کاربرد فارسی محاوره‌ای داشتند، مردان بیش‌تر از گویش سیستانی استفاده می‌کردند. این مورد نشان می‌دهد که زنان در حفظ زبان فارسی محاوره‌ای خود تلاش بیشتری دارند. دلایل آن را می‌توان در بعد اجتماعی بررسی کرد. یکی از این دلایل می‌تواند اعتبار اجتماعی بالاتر زبان فارسی محاوره‌ای در این منطقه باشد که موجب گردیده افراد جهت بالابردن جایگاه اجتماعی خود از گونه زبانی دارای جایگاه برتر استفاده نمایند.

گروه‌های مختلط (A1 و A2) متشکل از دو جنسیت زن و مرد می‌باشند که در دو طبقه اجتماعی بررسی شده‌اند. طبقه اجتماعی بالا و طبقه اجتماعی پایین. مشاهدات در این گروه‌ها نشان داد که درصد رمزگردانی کاهش یافته است. اما مانند گروه‌های قبل طبقه اجتماعی پایین از رمزگردانی بیش‌تری استفاده کرده و هر فرد تلاش دارد که روند بحث‌ها را به سمت کاربرد گویش خود پیش ببرد اما در صورتی که فرد مقابل به زبان

فارسی محاوره‌ای صحبت نماید سریعاً رمزگردانی کرده و از گونه زبانی آن فرد استفاده می‌نماید.

گروه دیگر (Z) هم به لحاظ جنسیتی و هم به لحاظ طبقه اجتماعی مختلط می‌باشد. در این گروه به طور چشمگیری رمزگردانی کاهش یافت و افراد در هر جنسیت و طبقه اجتماعی تلاش بیش‌تری به کاربرد زبان فارسی محاوره‌ای داشتند مگر در مواردی که کاملاً از این‌که طرف مقابل نیز به گویش سیستانی صحبت می‌کند اطمینان داشته و جهت حفظ هماهنگی بین خود و آن فرد با گونه زبانی سیستانی با یکدیگر بحث و گفت‌وگو می‌کردند.

طبق نظریه تطابق گایلز (۱۹۷۹) دلایلی برای نتایج فوق بدست آمد. نتایج نشان می‌دهد که افراد طبقه پایین تمایل بیش‌تری به ایجاد هماهنگی و تطابق بین اعضای گروه دارند اما افراد طبقه بالا تلاش در جهت ایجاد نگرش مثبت به لحاظ اجتماعی در بین اعضای گروه داشتند. طبقه بالای اجتماعی از طریق کاربرد بیشتر زبان فارسی محاوره‌ای به حفظ جایگاه اجتماعی خود می‌پردازند. در ارتباط با گروه‌های مختلط جنسیتی نیز، بر طبق نظریه گایلز (۱۹۷۹) اثبات گردید که اگرچه افراد بر ایجاد همگرایی در زبان تلاش دارند اما موانع اجتماعی وجود دارد که می‌تواند مانع حفظ هویت زبانی آن‌ها شود و موجبات کاهش رمزگردانی و بروز گفتار محتاطانه را فراهم می‌آورد. در گروه آخر که یک گروه مختلط جنسیتی و طبقه اجتماعی بود، طبق نظریه گایلز می‌توان دلیل کاهش چشمگیر میزان رمزگردانی را در تلاش افراد در نمایان ساختن هویت اجتماعی‌شان و عدم اطمینان و اعتماد به گروه دانست.

#### ۷. نتایج و پیشنهادات

پژوهش فوق بر روی دانشجویان کارشناسی دانشگاه زابل، که دارای دو عامل اجتماعی جنسیت و طبقه اجتماعی مختلف هستند، انجام شد. پس از انجام آزمایش از طریق



نرم‌افزار آزمون خی‌دو درصد معناداری میان گروه‌ها محاسبه شد. با توجه به آمار بدست آمده از تحقیق حاضر، نتایج زیر قابل استناد می‌باشد:

۱. الگوهای رمزگردانی متفاوت در بین زنان و مردان یک جامعه وجود دارد. زنان در گروه‌های تک جنسیتی بیش‌تر تمایل به کاربرد فارسی محاوره‌ای داشته و رمزگردانی کم‌تری در این گروه‌ها رخ داده است. حال آن‌که تمایل مردان به کاربرد گویش سیستانی بیش‌تر بوده و رمزگردانی نیز بیش‌تر صورت می‌گرفت. در این پژوهش ثابت شد که طبق نظریه تطابق گایلز (۱۹۷۹) زنان بیش‌تر از مردان تمایل دارند که مورد تایید دیگران قرار گیرند. به دلیل این‌که زبان فارسی محاوره‌ای دارای ارزش اجتماعی بالاتری در این منطقه است، مشاهده شد که زنان بیش‌تر از زبان فارسی محاوره‌ای استفاده می‌کردند. این در حالی است که مردان بیش‌تر تمایل به ایجاد نگرش مثبت در بین اعضای گروه و ایجاد همبستگی داشتند که خود صدقی بر عامل همگرایی اجتماعی است.
۲. در ارتباط با طبقه اجتماعی ثابت شد که گروه‌های اجتماعی پایین‌تر بیش‌تر از رمزگردانی استفاده می‌کردند. طبق نظریه تطابق گایلز (۱۹۷۹) افراد طبقه اجتماعی پایین به باورها و عقاید خود وفادار بودند و تلاش بیش‌تری در ایجاد همبستگی زبانی دارند. در حالی که گروه‌های طبقه اجتماعی بالا بیش‌تر به زبان فارسی محاوره‌ای صحبت می‌کردند به این دلیل که موردتایید سایر اعضا قرار گیرند و در بعضی موارد جایگاه اجتماعی بالاتری را به خود اختصاص دهند.
۳. نکته قابل توجه در این پژوهش آمار بدست آمده از گروه مختلط است که رمزگردانی به طرز چشمگیری کاهش می‌یابد. طبق نظریه گایلز (۱۹۷۹) یکی از دلایل کاهش رمزگردانی میان گروه‌های مختلط را می‌توان تظاهر به استقلال در بین اعضای گروه به ویژه زنان نام برد. از آنجایی که زبان فارسی زبان رسمی کشور است، افراد با کاربرد گونه زبانی فارسی معیار تلاش دارند تا خود را رسمی‌تر و مستقل‌تر از سایر اعضا نشان دهند. عامل واگرایی در نظریه گایلز

(۱۹۸۲) نیز کاهش میزان رمزگردانی را توجیه می‌نماید. افراد با ایجاد تفاوت میان خود و دیگران و عدم استفاده از گونه زبانی محلی تلاش می‌کنند که خود را متفاوت از گروه و در جایگاه اجتماعی بالاتری جلوه دهند.

به دلیل قابل توجه بودن رمزگردانی میان افراد با عوامل اجتماعی مختلف، نگارنده لازم می‌داند که بررسی‌های پیش‌تری به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و مردم‌شناسی بر این موضوع انجام شود زیرا عوامل مختلف می‌تواند بر افراد تاثیر بگذارد و مانع حفظ کاربرد گونه زبانی محلی آن‌ها شود. از آن‌جا که حفظ گونه زبانی محلی در حفظ هویت افراد بی‌تاثیر نخواهد بود، لازم است محققان بررسی‌های بیشتری در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در این زمینه انجام دهند.

#### فهرست منابع

حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۲) رمزگردانی دوزبانه‌های آذری- فارسی در کلاس درس از دیدگاه جامعه‌شناسی و روانشناسی زبان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

حیدری، عبدالحسین و افسر روحی (۱۳۹۲) «دلایل رمزگردانی زبانی معلمان در کلاسهای ابتدایی مناطق دو زبانه ترکی آذری- فارسی»، فصلنامه نوآوری آموزش، شماره ۵۱، پاییز.

دوستی، محمد (۱۳۸۰) بررسی توصیفی ساخت واژه، تصریف و اشتقاق واجی در گویش سیستانی ادیمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه شیراز.

Ahangar, A. A. (2010) "A study of the verb system in the Sistani dialect of Persian", *Orientalia Suecana*, 59, pp. 5-44

Angogo, R.(1990) *Linguistics and Attitudinal Factors in the Maintenance of the Luhya Group Identity*, Unpublished PhD Thesis, university of Texas.

Denison, N. (1971) "Some Observations on Language Variety and Plurilingualism", In E. Ardner, ed. *Social anthropology and Language*, London: tavistock; also in *Pride and Holmes* (1972).

- Eric, K. and Micheal, S. (1986) *Cross Linguistics Influence in Second Language Acquisition*, Britain: Pergamon Press Ltd. London
- Giles, H. & HeWstone, M. (1982) Cognitive Structures, Speech & Social Situations: Two Intergrative Models, *Language Sciences*. 4
- Giles, H. & Robinson, P. (Eds). (1990) *Handbook of Language & Social Psychology*, Chichester: John Willey & Sons
- Giles, H. & Scherer, R.K. (1979) *Social Markers in Speech*, Cambridge: Cambridge Press.
- Giles, H. & St Clair, R. (Eds) (1979) *Language and Social Psychology*, Oxford: Basil BlackWell
- Giles, H. (1977) *Language, Ethnicity and Intergroup Relation*, London: Academic Press.
- Giles, H. (1979) *Accomodation Theory: Optimal Levels of Convergence*, Oxford: Basil BlackWell.
- Giles, H. Mulac, A., Bradac, J.J & Johnson, P. (1987) *Speech Accomodation Theory The first Decade and Beyond*, In M.L. McLaughlin(Eds), *Communication Year Book 10*.
- Gumperz, J. (1982) *Discourse Strategies*, Cambridge University Press.
- Hudson, R. (1980) *Sociolinguistics*, Cambridge University Press.
- Kanana, F.E. (2003) *CodesWitching in business Transaction: A case study of Repertoire in Massai Market in Nairobi, Kenya*, Unpublished M.A. Thesis, Kenyatta University.
- Labov, W. (1972) *Sociolinguistics Patterns*, Oxford: Basil BlackWell Ltd.
- Milroy, I. (1987) *Observing and Analyzing Natural Language; A Critical Account of Sociolinguistics Method*, Basil BlackWell
- Muyesken, P. (1995) *Grammatical Concepts in CodesWitching*, Cambridge: Cambridge University.
- Romain, S. (1994) *Language in Society; An Introduction in Sociolinguistics*, Oxford: Oxford Press.
- Silva, C. (1994) *Language Contact and Change*, USA: press NeW York.
- Trudgil, P. (Eds) (1984) *Applied Linguistics*, London: Academic Press.